

بررسی و نقد ترجمه منظوم استاد محمدعلی انصاری قمی در خطبه دوم نهج البلاغه

فاطمه لشکری* / بشیر ذوالعلی** / داریوش کاظمی***

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۷/۱۹

چکیده

بعد از قرآن کریم، نهج البلاغه، با اهمیت‌ترین کتاب مذهبی شیعیان است که در نزد شیعه و بسیاری از فرق اهل تسنن و همچنین دانشمندان غربی از مناظر گوناگون، اهمیت بسیاری دارد. ترجمه‌های منظوم از کل و یا جزئی از محتوای کتاب شریف نهج البلاغه تألیف گردیده است. علاوه بر آن در معارف اسلامی و علوم دینی، همچنین کتاب امام علی (علیه السلام)، خود از نظر فصاحت و بلاغت، در اوج بوده و علاوه بر جنبه‌های مذهبی، تاریخی و اجتماعی خود گنجینه‌ای از بلاغت ادبی می‌باشد. بنابراین ترجمه‌های منظوم نهج البلاغه، اگر از منظر فصاحت و بلاغت ادبی، امانت‌داری، ایجاز و مطابقت با شروح و تفاسیر معتبر نهج البلاغه، در مرتبه بالایی باشند، مسلماً به دلیل آن که زبان نظم، دل‌پذیرتر و جذاب‌تر است، می‌توانند مطالب و آموزه‌های این کتاب شریف را در ذهن فارسی‌زبانان ماندگارتر و قابل‌فهم‌تر نمایند و برعکس اگر امانت‌داری لازم در بیان مفاهیم در آن‌ها لحاظ نشده و یا از نظر فصاحت و بلاغت دچار ضعف ادبی باشند، نمی‌توانند در حکم ترجمه‌ای رسا و بلیغ از این کتاب شریف مورد استفاده قرار گیرند. هدف از این مقاله، بررسی و نقد خطبه دوم نهج البلاغه در ترجمه منظوم محمدعلی انصاری قمی از منظر امانت‌داری، میزان تطابق آن با اصل معانی و زیبایی‌های ادبی این کتاب شریف می‌باشد.

fateme.lashkari54@gmail.com

bashirzolala@yahoo.com

d_kazemi@yahoo.com

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد کرمان.

** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان.

*** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان.

واژگان کلیدی

نهج البلاغه، ترجمه منظوم، خطبه دوم، محمدعلی انصاری قمی

۱- مقدمه

کتاب نهج البلاغه منظوم، از جمله ترجمه‌های منظوم فارسی است که به قلم نویسنده معاصر محمدعلی انصاری قمی، منتشر شده است. مترجم، ترجمه منظومی از نهج البلاغه را در ده جلد ظرف مدت پنج سال به نگارش درآورده است که حاوی ترجمه و شرح منثور مختصری نیز بوده که به صورت جداگانه و در قالب کتاب حاضر منتشر شده است.

با توجه به مطالبی که مترجم، در باب ویژگی‌های این اثر و تمایز آن با آثار قبل از خود بیان نموده‌اند، در این مقاله قصد داریم با بررسی خطبه دوم از خطبه‌های منظوم این کتاب، میزان امانت‌داری و تطابق این خطبه را با اصل عربی و شروح معتبر نهج البلاغه بررسی نموده و همچنین به بررسی فصاحت و بلاغت آن از منظر ادبی بپردازیم. از آنجا که ملاک ارزیابی این منظومه‌ها انطباق آن‌ها با شروح و تفاسیر معتبر نهج البلاغه می‌باشد در این مقاله خطبه دوم نهج البلاغه در ترجمه منظوم محمدعلی انصاری قمی که خود از عالمان حوزوی و صاحب‌نظر در تفسیر نهج البلاغه نیز می‌باشند مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، ترجمه‌ای که در بیان مفاهیم این خطبه از آن استفاده شده، ترجمه استاد محمد دشتی می‌باشد.

۱-۱- بیان مسئله

کتاب نهج البلاغه، مشتمل بر خطبه‌ها، نامه‌ها، فرمان‌ها، حکمت‌ها و کلمات قصار امام علی (علیه السلام) به عربی می‌باشد. سخنانی شگفت‌انگیز در مورد توحید، عدل، خلقت، زن و مرد، تقوا، مذمت دنیا و صدها موضوع دیگر است که هر کدام تشنگان معرفت را سیراب خواهد کرد. نهج البلاغه تاکنون مورد توجه ویژه علما چه امامیه چه اهل تسنن بوده است و علمای زیادی به ترجمه، شرح، تعلیقه، معرفی مصادر و اساتید و آن پرداخته‌اند. جاحظ یکی از دانشمندان معروف اهل سنت در کتاب خود البیان والتبیین چندین خطبه را از امام علی (علیه السلام) آورده است: «گفته شده که نهج البلاغه را «أخ القرآن» نامیده‌اند که حقیقتاً نام بامسمایی است؛ زیرا از نظر مضامین و معارف کاملاً از قرآن تأثیر پذیرفته است» (جاحظ، ۱۳۷۹: ۳۵)

نهج البلاغه همانند قرآن دایره‌المعارف عظیمی است که از موضوعات مادی و معنوی، طبیعت، ماوراء الطبیعه، اجتماعی، سیاست، عقیده، خلقت و آفرینش، راه حکمت و موعظه، مدیریت و حکومت، عدالت و انسانیت و... سخن به میان آورده است. شهید مرتضی مطهری در کتاب سیری در نهج البلاغه

در مورد اهمیت این کتاب گفته‌اند:

«آنچه تردیدناپذیر است این است که امام علی (علیه السلام) چون مرد سخن بوده است، خطابه‌های فراوانی انشاء کرده و همچنین به تناسب‌های مختلف جمله‌های حکیمانه کوتاه فراوان از او شنیده شده است» (مطهری، ۱۳۵۸: ۴۷)

علاوه بر اهمیت نهج‌البلاغه در معارف اسلامی و علوم دینی، همچنین کتاب امام علی (علیه السلام)، خود از نظر فصاحت و بلاغت، در اوج بوده و علاوه بر جنبه‌های مذهبی و تاریخی و اجتماعی خود گنجینه‌ای از آرایه‌ها و بلاغت ادبی می‌باشد. بنابراین ترجمه‌های منظوم نهج‌البلاغه، اگر از منظر فصاحت و بلاغت ادبی، امانت‌داری، ایجاز و مطابقت با شروح و تفاسیر معتبر نهج‌البلاغه، در مرتبه بالایی باشند، مسلماً به دلیل آن که زبان نظم، دل‌پذیرتر و جذاب‌تر است، می‌توانند مطالب و آموزه‌های این کتاب شریف را در ذهن فارسی‌زبانان ماندگارتر و قابل‌فهم‌تر نمایند و برعکس اگر امانت‌داری لازم در بیان مفاهیم در آن‌ها لحاظ نشده و یا از نظر فصاحت و بلاغت دچار ضعف ادبی باشند، نمی‌توانند در حکم ترجمه‌ای رسا و بلیغ از این کتاب شریف مورد استفاده مخاطبان قرار گیرند. در این پژوهش با بررسی و نقد ترجمه منظوم نهج‌البلاغه از خطبه دوم، تألیف محمدعلی انصاری قمی از اساتید حوزه علمیه (از منظر امانت‌داری و مطابقت آن با شروح و تفاسیر معتبر، ایجاز و فصاحت و بلاغت ادبی) سعی بر آن است تا با ارزیابی این خطبه منظوم، میزان تأثیر این گونه منظومه‌ها، در بسط، گسترش و ماندگار نمودن معانی کتاب نهج‌البلاغه مورد کنکاش قرار گیرد.

۲-۱- پیشینه تحقیق

بر طبق تحقیقات به‌عمل آمده، تاکنون در این زمینه کتاب یا مقاله و تحقیقی، که به‌طور مستقل به اثر موردپژوهش مرتبط باشد، یافت نگردید، اما در زمینه خطبه‌های نهج‌البلاغه آثار ارزشمندی مورد تألیف و تصنیف قرار گرفته است. هرچند در زمینه تفسیر و شرح کتاب نهج‌البلاغه فعالیت‌های زیادی انجام شده است؛ اما در زمینه نقد شروح، خصوصاً شروح منظوم این کتاب شریف، تا به حال هیچ‌گونه فعالیت علمی ثبت‌نشده و این پژوهش اولین نقد بر خطبه‌های منظوم نهج‌البلاغه می‌باشد.

۳-۱- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

همان‌طور که می‌دانیم شعر و نظم در زندگی و فرهنگ مردم ما نقش بسزایی دارد و بسیاری از تعالیم اخلاقی در کتب مختلف از جمله دیوان سعدی به‌صورت منظوم بیان گردیده و سال‌ها در اذهان جاودانه مانده‌اند. بدین جهت عده‌ای از شاعران با توجه به تراجم، تفسیر و شروحاتی که بر نهج‌البلاغه

نوشته‌شده، به نظم معانی این کتاب اقدام نموده‌اند. مسلماً نقد و ارزیابی این گونه منظومه‌ها در روند انتخاب این آثار، به‌عنوان یک شرح جامع و واجدالشرايط بسیار مؤثر است و همچنین معیاری خواهد بود برای شروع منظومی که احتمالاً در آینده انتشار خواهند یافت.

۲- بحث

۲-۱- بررسی و نقد خطبه دوم منظوم از ترجمه انصاری قمی

کتاب «شرح نهج البلاغه منظوم»، تألیف محمدعلی انصاری، ترجمه و شرح منظوم کتاب شریف نهج البلاغه به زبان فارسی می‌باشد. در ده جلد تألیف گردیده است. یکی از ویژگی‌های این ترجمه منظوم، بیان ترجمه منثور، به قلم خود مؤلف است که در کنار ترجمه منظوم آورده او همچنین حوادثی که وقوع آنها منجر به بیان این فرازاها و خطبه‌ها از زبان حضرت شده است؛ هرچند که برای این وقایع که در اول هر خطبه آورده، منبع و سند معتبر تاریخی ذکر نکرده است.

۲-۲- ویژگی خطبه دوم نهج البلاغه

یکی از خطبه‌های مهم کتاب شریف نهج البلاغه، خطبه دوم آن می‌باشد که هم از نظر معنا و هم فصاحت و بلاغت کلام، نمونه‌ای از دریای بیکران معرفت مولای متقیان در این کتاب ارزشمند است. در این مقاله سعی بر آن است تا ترجمه منظوم این خطبه از نظر معنایی و بلاغی بررسی شود. تا میزان مطابقت با آن متن عربی و شروح معتبر نهج البلاغه و همچنین کیفیت اثر از منظر ادبی مورد ارزیابی قرار گیرد. لازم به ذکر است، برای بررسی و نقد این خطبه از شروح معتبر کتاب نهج البلاغه از جمله شرح ابن میثم، شرح ابن ابی الحدید و چند شرح معتبر دیگر، بهره گرفته شده است.

۲-۳- سلاست و روانی

یکی از ویژگی‌های مثبت و قابل توجه این منظومه، روانی و سلاست الفاظ و عبارات است و مترجم در بیان مفاهیم دشوار و پر رمز و راز نهج البلاغه در نظم خویش بیانی سلیس و شیوا دارد و اغلب ادبیات منظومه بدون پیچیدگی و ابهام هستند، به طوری که خواننده با کوچکترین نظری می‌توان آن را از سروده‌های ناظم دریافت.

بطور مثال در این فراز می‌خوانیم:

« أَحْمَنُ اسْتِمَامًا لِنِعْمَتِهِ وَاسْتِسْلَامًا لِعِزَّتِهِ وَاسْتِعْصَامًا مِنْ مَعْصِيَتِهِ وَأَسْتَعِينُهُ فَاقَّةً إِلَى كَفَايَتِهِ إِنَّهُ لَا يَضِلُّ
مَنْ هَدَاهُ وَلَا يَلِيْلُ مَنْ عَادَاهُ وَلَا يَفْتَقِرُ مَنْ كَفَاهُ فَإِنَّهُ أَرْحَمُ مَا وَزِنَ وَأَفْضَلُ مَا خَزِنَ »

"خدای را سپاس گویم تا باران نعمتش بیش از پیش فرو ریزد، و اطاعتم در پیشگاه عزتتش فزون گردد، و جانم از معصیتش بیمه شود. و از آستان قدسش مدد خواهم تا «نداریم» را به مرز «بی‌نیازی» رساند. چه او دست هرکس گیرد راه گم نکند، و آن که بر امواج دشمنی او نشیند به ساحل نجات نرسد، و آن کس که در سایه سرپرستی او درآید فقری نبیند، که اوست گران سنگ‌ترین ارزش‌ها و برترین گنجینه‌ها" (خطبه/۲).

و در ترجمه منظوم آمده است:

چو نعمت‌های حق بر من تمام است	ز عزت‌های او کارم به کام است
مرا از معصیت‌ها او نگه داشت	بسی منت به من زین راه بگذاشت
ز من جز شکر او کاری نیاید	که شکرش نعمتش، نعمت فزاید
به هر کاری مرا او یارو یاور	به هر راهی مرا هادی و رهبر
کسی را کو به شهره‌راه هدایت	کشید ایمن شده از چاه غوایت
نجاتی نیست بهر دشمن او	ز نار ایمن نشد جان و تن او
کفایت کرده او بی‌نیاز است	در لطفش بسوی او فراز است
کفایت‌های آن سلطان دوران	ز هر چیزی است سنگین تر به میزان

(انصاری، ۱۳۲۷: ۷۱)

در این فراز می‌بینیم که الفاظ، در نهایت سلاست و روانی، معنا را به مخاطب منتقل می‌کنند و با اندک درنگ می‌توان معانی را از سروده‌های مترجم، دریافت نمود. با تأملی کوتاه، در نظم یاد شده، روانی کلام بر هر خواننده مشهود و ملموس می‌باشد؛ به گونه‌ای که سعی شده است از آوردن کلمات نامنظم و متروک و یا دور از ذهن در آن پرهیز شود.

۲-۴- عدم رعایت امانت‌داری در لفظ و معنا

در کنار روانی و سلاست این ترجمه نقدهایی بر این اثر وارد است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: یکی از موارد بسیار مهم و قابل توجه در ترجمه هر اثر، امانت‌داری در کلام و مطابقت آن با اصل اثر می‌باشد که متأسفانه در این ترجمه منظوم، مترجم گه‌گاه از این مهم غافل مانده است و ترجمه‌های منظوم با معانی دریافت شده از متن عربی هم‌خوانی ندارد. گاهی معنایی به آن افزوده و یا گاهی به برخی از معانی اشاره نگردیده است و همچنین بعضاً دیده می‌شود که مترجم، معنای برخی از عبارات را به گونه‌ای منظوم نموده که با معانی عبارات عربی و شروح معتبر این کتاب شریف تفاوت دارد.

اینک به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

۲-۵- حذف و اختصار برخی از عبارات

-فراز: «وَهُمْ سُهُودٌ وَكُلُّهُمْ دُمُوعٌ بَارِضٌ عَالِمُهَا مُلْجَمٌ وَجَاهِلُهَا مُكْرَمٌ»

"چه جامعه نامنی که خوابشان پریشانی و کابوس، و روشنی چشمشان اشک خون بود، در سرزمینی که دهان دانشمندان به ذلت بسته، و نادانان بر کرسی احترام نشست" (خطبه/۲)

در تبیین و تفسیر این فراز در شرح‌های گوناگون نهج البلاغه نظریات گوناگونی وجود دارد: ابن میثم در شرح خویش، گفته است: «چنین دانسته‌اند که مردم شام به دلیل اهمیتی که به کارشان می‌دادند و خود را آماده پیکار با آن حضرت می‌نموده‌اند خوابشان نمی‌برد و به کشتگان‌شان گریه می‌کردند و ممکن است مقصود از سرزمینی که دانشمندان آن به سکوت و داشته شده است خود آن حضرت و باران او باشد» (ابن میثم، ۱۳۷۵: ۲۸۶)

این دو عبارت که هم در متن عربی آمده و هم در ترجمه منثور ایشان بیان شده، اما در متن منظوم، ذکر نگردیده است.

-فراز: «هُم مَوْضِعٌ سَرَّهٌ وَجَبَّأُ مَرَّةً وَعَيْبَةٌ عِلْمِهِ وَمَوْتِلٌ حِكْمِهِ وَكُهُوفٌ كُتْبِهِ»

"آل پیامبر راز داران و پشتیبانان فرمان آن حضرتند، دانش وی را نگهبان و امت او را مرجع اند، نیز گنجوران و مفسران علوم نبوی" (خطبه/۲)

کلمه «عیبه» استعاره از نفوس شریف امامان است و چه شباهت نیز روشن است همان طور که شأن عیبه حفظ و نگهداری چیزی است که به او سپرده می‌شود ذهن پاک امامان نگهدارنده علم خدا از نابودی و نگهدارنده آن از ذهن ناشایستگان است» (همان، صص ۴۹۰-۴۹۱)

همچنین آیت الله مکارم شیرازی در کتاب پیام امیرالمؤمنین، در شرح خود از این عبارات گفته اند: «جمله «وَكُهُوفٌ كُتْبِهِ» بیانگر این حقیقت است که محتوای همه کتب الهی نزد آنان است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۳)

ناظم در ترجمه فراز بالا آورده است:



اطاعت راه دیگر سو گرفته
لگد کوب آمده، یکسر شده گم
که از شرحش به عجز افتاه خامه
بگرد لات و بُت مأوا گرفته
ولی فرمان نادانان روان بود
چنان سر مست از جام جهالت
(انصاری قمی، ۱۳۲۷: ۷۱)

نهال معصیت نیرو گرفته
به زیر سُمّ رخس فتنه مردم
حجاز و مگه و ارض تهامه
در آنجا شَرّ جیران جا گرفته
همیشه عالَمش بسته زبان بود
چنان مغروق دریا ضلالت

همان طور که مشاهده می‌شود در ترجمه منظوم پس از اشاره به آزار همسایگان، به خاموشی عالمان اشاره شده و مفاهیم جملات میانجی که در مورد بیداری و خواب می‌باشد، بیان نگردیده و حتی الفاظ این عبارات ترجمه لغوی هم نشده‌اند.

۲-۶- تغییر برخی معانی در ترجمه منظوم و مغایرت آن‌ها با متن عربی و شروح معتبر
-فراز «فَأِنَّهُ أَرْحَحَ مَا وَزِنَ وَأَفْصَلُ مَا خَزِنَ»

"که اوست گران سنگ‌ترین ارزشها و برترین گنجینه‌ها" (خطبه/۲).

ناظم، در بیان معنی این عبارات در ترجمه منظوم چنین سروده است:

کفایت کرده او بی‌نیاز است
در لطفش بسوی او فراز است
کفایت های آن سلطان دوران
ز هر چیزی است سنگین تر به میزان

(انصاری قمی، ۱۳۲۷: ۷۱)

همانطور که در ترجمه عبارات عربی می‌بینیم منظور از بیان این عبارات آن است که خداوند متعال (در میزان سنجش عقل) سنگین ترین اشیاء و (در خزائن نفوس ملکوت) گرانبها ترین گوهرها است. اما؛ در ترجمه منظوم، به مفهوم سنگین تر بودن خداوند (در میزان سنجش عقل) و همچنین مفهوم «گوهر گرانبها بودن» اشاره‌ای نشده؛ در حالی که در متن اصلی و شروح کتاب نهج البلاغه صفت «سنگین و وزین بودن» به خود پروردگار منسوب است نه به کفایت های او از جهت (سنجش عقول) که خود مترجم هم در ترجمه منثور کتاب ذکر کرده‌اند. با این همه، مترجم در نظم، مفهوم این عبارات آن را به گونه ای دیگر بیان نموده که حتی با آنچه که در ترجمه منثور آورده و همچنین با متن عربی، متفاوت است.

-فراز «وَالْأَمْرَ الصَّادِعِ إِزَاحَةً لِلشُّبُهَاتِ وَاحْتِجَاجًا بِالْبَيِّنَاتِ وَتَحْذِيرًا بِالْآيَاتِ»

"و فرمان قاطع و روشن گسیل داشت تا ابرهای شبهه را بزداید، و روشنی ها را بر کرسی نشاند، و از

آیات خشم الهی برحذر دارد، و از عذاب بترساند" (خطبه/۲)

در شرح «ابن میثم» دلیل مبرهن بودن قرآن رفع شبهات و مبرهن نمودن بینات ذکر گردیده است. در نظم این عبارات می‌خوانیم:

ز نزدش آمده با دین منثور	بدستش پرچمی از علم مأثور
کتابی همچنان قرآن مبرهن	که از نورش شده آفاق، روشن
بفرمانی که از آن حق و باطل	مر این روشن شد اینک گشت زایل
سراسر شبهه‌ها را بر طرف کرد	ز برهان قلب‌ها را پر شعف کرد
به گیتی تخم دین و علم افشاند	خلایق از عذاب حق بترساند

(انصاری قمی، ۱۳۲۷: ۷۱)

با نگرشی کوتاه در این آیات، مشاهده می‌شود که مترجم در بیتی به رفع شبهات اشاره کرده اما مبرهن نمودن بینات را در جایی بیان نکرده است و جمله را با معنای «پر شعف نمودن قلوب از بینات» تکمیل نموده در حالی که «مبرهن نمودن» به معنای «قاطع کردن و صراحت و تحکم» است و با مفهوم «پر شعف نمودن» بسیار اختلاف دارد.

-فراز «النَّاسُ فِي فِتْنٍ الْحُجْمِ فِيهَا حَبْلُ الدِّينِ وَتَزَعَزَعَتْ سَوَارِي الْيَقِينِ وَاخْتَلَفَ النَّجْرُ وَنَشَّتِ الْأُمُرُ»

"اما مردم در شبانگاه طلوع محمد ﷺ گرفتار فتنه‌هایی بودند که رشته دین را گسیخته و ارکان یقین را لرزانده، هرکس به سویی پناهنده، و نظام زندگی درهم ریخته" (خطبه/۲).

ابن میثم در شرح واژه‌های این فراز گفته است:

«استعمال لفظ «حبل» چه در اینجا و چه در قرآن کریم استعاره است برای قواعد ارکان دین که لزوماً باید آن را استوار ساخت. مثل جهاد در تعبیر «تزعزع» مرگ یاران دین و یا ترس آن‌ها از دشمنان کینه توز است و استعاره لطیفی در آن بکار رفته است» (ابن میثم، ۱۳۷۵: ۴۷۴)

در ترجمه منظوم می‌خوانیم:

خیل مردم در بالاها مبتلا	خاکها گردیده هم سنگ طلا
رشته دین پاره و ره نادرست	خانه ایمان خراب و پایه سست
جام حق با درد وهم آمیخته	خاک ظلمت بر رخ جان ریخته

(انصاری، ۱۳۲۷: ۷۲)

با کمی تأمل در معانی منظوم به راحتی می‌توان دریافت که در فراز بالا مفهوم دو عبارت

«النَّاسُ فِي فِتْنٍ أُنْجِزَ فِيهَا حَبْلُ الدِّينِ وَتَزَعَزَعَتْ سَوَارِي الْيَقِينِ»

بیان گردیده اما قسمت سوم فراز که اشاره به اختلاف دین و درهم ریختن احکام آن دارد بیان نشده بلکه مفهوم آن به گونه دیگری در این بیت بیان گردیده که هیچ تشابهی با عبارات عربی و شروح نهج البلاغه ندارد.

در ترجمه منظوم آمده است:

جام حق با درد وهم آمیخته خاک ظلمت بر رخ جان ریخته

(همان)

- فراز «وَصَاقُ الْأُنْجُرِ وَعَمِي الْمَصْدَرُ فَالْهُدَى حَامِلٌ وَالْعَمَى شَامِلٌ»

"راه نجات به هم آمده و نور امیدی باقی نمانده بود. بازار هدایت بی رونق و ظلمت کوری همه گیر. عاصی بر خدا و فرمانبر شیطان" (خطبه ۲).

عبارت «والعمی» در شرح این میثم عمی به معنای هدایت نیافتن تفسیر گردیده است. حکم (عمی) استعاره ای است از هدایت نیافتن چون کور با چشمش مقصد محسوس را نمی تواند پیدا کند و کسی که از نظر باطنی کور است به مقاصد معقولش راه نمی یابد» (ابن میثم، ۱۳۷۵: ۴۷۴)

در ترجمه منظوم آورده است:

راه بیرون رفتن از این تیرگی بسته شد از هر طرف با خیرگی

نور رحمانی در عالم کم فروغ مرغ حق مغلوب چنگال دروغ

(انصاری، ۱۳۲۷: ۷۲)

با کمی دقت در معانی منظوم این عبارات، می توان دید که در ترجمه منظوم، حتی اشاره ای به لفظ و معنای ظاهری عبارات فوق نشده است. در حالی که این تعبیر در شروح گوناگون مورد تفسیر و بحث قرار گرفته و بیان معانی آن، در ترجمه منظوم ضروری به نظر می رسد. همچنین در مصراع دوم عبارت «خیرگی» بجای معنای «کوری» بیان گردیده که معنایی کاملاً متفاوت با این واژه دارد.

-فراز «وَالْكِتَابِ الْمَسْتُورِ وَالنُّورِ السَّاطِعِ وَالضِّيَاءِ اللَّامِعِ وَالْأَمْرِ الصَّادِعِ»

"و منشور فراهم آمده در نوشتار، و نور درخشنده و فرمان قاطع" (خطبه ۲)

در ترجمه منظوم آمده است:

کتابی همچنان قرآن مبرهن
بفرمانی که از آن حق و باطل
که از نورش شده آفاق، روشن
مر این روشن شد اینک گشت زایل
(انصاری، ۱۳۲۷: ۷۲)

« منظور از کتاب مسطور قرآن است که حقایق آن در لوح دل نوشته شده و نیز منظور از نور ساطع و ضیاء لامع، رمزی است که پیامبر ﷺ آن را آورده و روشی است که آن را دوست می دارد و به اجرای آن دستور داده است.» (ابن میثم، ۱۳۷۵: ۴۸۰)

با تأمل در ترجمه منظوم، می بینیم که در نظم این معانی، واژه مسطور به معنای مبرهن آمده است که بار معنایی متفاوتی با آن دارد و علاوه بر این، در بیت بعد معنای «زایل نمودن» را نیز به معنای اصلی اضافه کرده است. این بیت علاوه بر ضعف تألیف و ایراداتی که از نظر نگارشی و دستوری دارد، در بیان معنا نیز نارسا و ضعیف است.

۲-۷- مواضع نقد اثر از منظر ادبی:

در ترجمه مذکور ایراداتی از منظر ادبی دیده می شود که به پاره ای از آن ها اشاره می گردد:

۲-۷-۱- نقصان در رعایت زیبایی های بلاغی متن

در بخش انتهای خطبه در بخشی که درباره مخالفان امام (علیه السلام) است در فراز
«رَزَعُوا النُّجُورَ وَسَقَوْهُ العُرُورَ وَحَصَدُوا الثُّبُورَ»

"کشتزاری از نافرمانی و حق کوبی پدید آوردند، و آن را از سرچشمه غرور آبیاری نمودند، و سرانجام سیه روزی درو کردند" (خطبه ۲).

"در این فراز، استعاره زیبایی است زیرا کلمه «فجور» عبارت است از بیرون آمدن از کلمه عفت و زهد و شکستن حدود عفت و گرایش به اطراف در جهت مخالف زهد و به معنای زراعت افشاندن دانه در زمین است» (ابن میثم، ۱۳۷۵: ۴۹۲-۴۹۳)

جمالات فوق همچنین، علاوه بر زیبایی های ادبی معنایی و استعاره های بکر، ترصیح زیبایی هم از نظر ادبی دارد. اما در نظم این عبارات تنها به این بیت بر می خوریم:

به ارض قلب تخم فسق کشتند
طناب کفر و کین را نیک سرشتند

(انصاری، ۱۳۲۷: ۷۷)

که صرفاً مفهوم اول را در بر دارد و هیچ کدام از زیبایی های معنوی و استعاراتی که در شرح شریف آمده است، شامل نمی شود و همچنین ترصیح زیبایی که امام در لفظ و بیان این عبارات بکار برده اند، در

این عبارات، نمی‌توان یافت.

-فراز «وَالْكِتَابِ الْمُسْتُورِ وَالتُّورِ السَّاطِعِ وَالصَّيَاءِ اللَّامِعِ وَالْأَمْرِ الصَّادِعِ»

"و منشور فراهم آمده در نوشتار، و نور درخشنده و فرمان قاطع" (خطبه/۲).

در نظم این معانی می‌خوانیم:

کتابی همچنان قرآن مبرهن
که از نورش شده آفاق، روشن
بفرمانی که از آن حق و باطل
مر این روشن شد اینک گشت زایل
(انصاری، ۱۳۲۷: ۷۷)

در ترجمه منظوم این فراز نیز همان‌طور که قبلاً اشاره شد، علاوه بر اضافه نمودن واژه زایل در معنای آن، در این مصراع: «مر این روشن شد اینک گشت زایل» ضعف تألیف و نارسایی از نظر مفهوم و جمله بندی ضعیف از نظر دستوری بوضوح قابل تأمل است.

۲-۷-۲- بی بهره بودن از آرایه‌های لفظی که در متن عربی وجود دارد

کلام مولای متقیان در نهج البلاغه نمونه فصاحت و بلاغت و در اوج زیبایی لفظی و معنوی است از جمله زیبایی‌های لفظی رعایت سجع‌ها و جناس‌ها و موزون بودن این کلام شریف است که در اکثر جملات به چشم می‌خورد.

بطور مثال سجع زیبایی که در عبارات این فراز دیده می‌شود:

«وَالْعَلَمِ الْمَأْتُورِ وَالْكِتَابِ الْمُسْتُورِ وَالتُّورِ السَّاطِعِ وَالصَّيَاءِ اللَّامِعِ وَالْأَمْرِ الصَّادِعِ»

اما در هیچ جای ترجمه منظوم عبارات، چنین سجعی را ندارند و ریتم موسیقی‌واری که در بیان متن عربی وجود دارد، در هیچ جای این ترجمه منظوم دیده نمی‌شود، بنابراین می‌توان گفت خوانش معانی این ترجمه منظوم حتی اگر کاملاً مطابق با اصل عربی باشد اما هرگز بیان کننده فصاحت و بلاغت و زیبایی‌های لفظی نهج البلاغه نیست.

۳- نتیجه‌گیری:

تاکنون تراجم و شرح‌های زیادی بر کتاب شریف نهج البلاغه نوشته شده و همچنین ترجمه‌های منظوم متعددی از کل و یا جزئی از محتوای معانی کتاب شریف نهج البلاغه تألیف گردیده است. از آنجا که نهج البلاغه، با اهمیت‌ترین کتاب مذهبی شیعیان است که در نزد شیعه و بسیاری از فرق اهل تسنن و همچنین دانشمندان غربی از مناظر گوناگون، اهمیت بسیاری دارد. ترجمه‌های منظوم از کل و یا جزئی از محتوای کتاب شریف نهج البلاغه تألیف گردیده است. علاوه بر آن در معارف اسلامی و علوم دینی، همچنین کتاب امام علی (علیه السلام)، خود از نظر فصاحت و بلاغت، در اوج بوده و علاوه بر جنبه‌های مذهبی، تاریخی و اجتماعی خود گنجینه‌ای از بلاغت ادبی می‌باشد. بنابراین ترجمه‌های منظوم نهج البلاغه، اگر از منظر فصاحت و بلاغت ادبی، امانت‌داری، ایجاز و مطابقت با شروح و تفاسیر معتبر نهج البلاغه، در مرتبه بالایی باشند، مسلماً به دلیل آن که زبان نظم، دل‌پذیرتر و جذاب‌تر است، می‌توانند مطالب و آموزه‌های این کتاب شریف را در ذهن فارسی‌زبانان ماندگارتر و قابل‌فهم‌تر نمایند و برعکس اگر امانت‌داری لازم در بیان مفاهیم در آن‌ها لحاظ نشده و یا از نظر فصاحت و بلاغت دچار ضعف ادبی باشند، نمی‌توانند در حکم ترجمه‌ای رسا و بلیغ از این کتاب شریف مورد استفاده قرار گیرند. این مقاله به نقد و بررسی ترجمه منظوم خطبه دوم نهج البلاغه تألیف محمدعلی انصاری قمی پرداخته است. با تعمق در این نهج البلاغه منظوم و برشمردن نقاط ضعف و قوت اثر، می‌توان به نتایج ذیل اشاره نمود:

- ۱- بیان مترجم، در این اثر ساده و روان بوده و معانی در آن، روشن و بدون ابهام بیان گردیده است
- ۲- در کنار این حسن، حذف و اختصار برخی از عبارات، ایجاد تغییر در بعضی از معانی و مغایرت آن‌ها با متن عربی و شروح معتبر و همچنین، عدم اهتمام به ترجمه برخی از واژه‌های عربی از جمله عیوب این ترجمه منظوم، از دید معنایی و محتوایی می‌باشد.
- ۳- از عیوب دیگر این ترجمه منظوم از دید بلاغت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
 - الف- نقصان در رعایت زیبایی‌های بلاغی متن
 - ب- بی بهره بودن از آرایه‌های لفظی که در متن عربی وجود دارد.
 - ج- اطناب در معانی و عدم استفاده از جملات کوتاه

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. انصاری قمی، محمدعلی، ۱۳۲۷ش، نهج البلاغه منظوم، ج ۱، تهران.
۲. دشتی، محمد، ۱۳۸۵ش، ترجمه نهج البلاغه، تهران: ستاد اقامه نماز.
۳. جاحظ، عمروبن بحر، ۲۰۰۲ م، البيان والتبيين، ج ۱، بیروت، دارالمکتبه الهلال.
۴. خسرو شاهی، سیدهادی، ۱۳۴۲ش، الامام علی صوت العدالة الانسانية، تهران.
۵. محمدی مقدم، قربانعلی، نوایی یحیی زاده، علی اصغر، ۱۳۷۳ش، شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج ۱، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۶. مسعودی، علی بن حسین، ۱۴۰۹ق، مروج الذهب، ج ۲، تحقیق اسعد داغر، قم: دار الهجرة.
۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۸ش، سیری در نهج البلاغه، تهران: صدرا.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۵ش، پیام امام امیرالمومنین (علیه السلام)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. مهدوی دامغانی، محمود، ۱۳۷۹ش، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، تهران: نشر نی.

